

بمناسبت سی و چهارمین سالگرد قیام قهرمانانه ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ مردم با  
شهامت هرات که سر آغار زوال نظام کمونیستی در افغانستان و سپس جهان گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

---

در ۲۴ حوت

در آخرین هفته آن سال کودتا

سالیکه روز هفتم ثورش سیاه بود

دستان عاملین همان روز نحس وشوم

رنگین زخون مردم بس بیگناه بود

خلقی ، که خُلق و خُوی بشر را ندیده بود

با مردمان نداشت دمی اُنس و اُلفتی

با پرچی ، پُرچم و مکار و حيله گر

یکجا شده وهفتم ثور را رقم زدند

آغاز فاجعه بوطن را قلم زدند

در آسمان کابل زیبای آنزمان

اندر فضای شهر

ازخیل لا شخوار و دسته خفاش شب پرست

صوت کریه و نعره هورا بلند شد

نیسان در آن زمان

آمد ولی چه سود !

هرگز پیام شادی یک نو بهار را

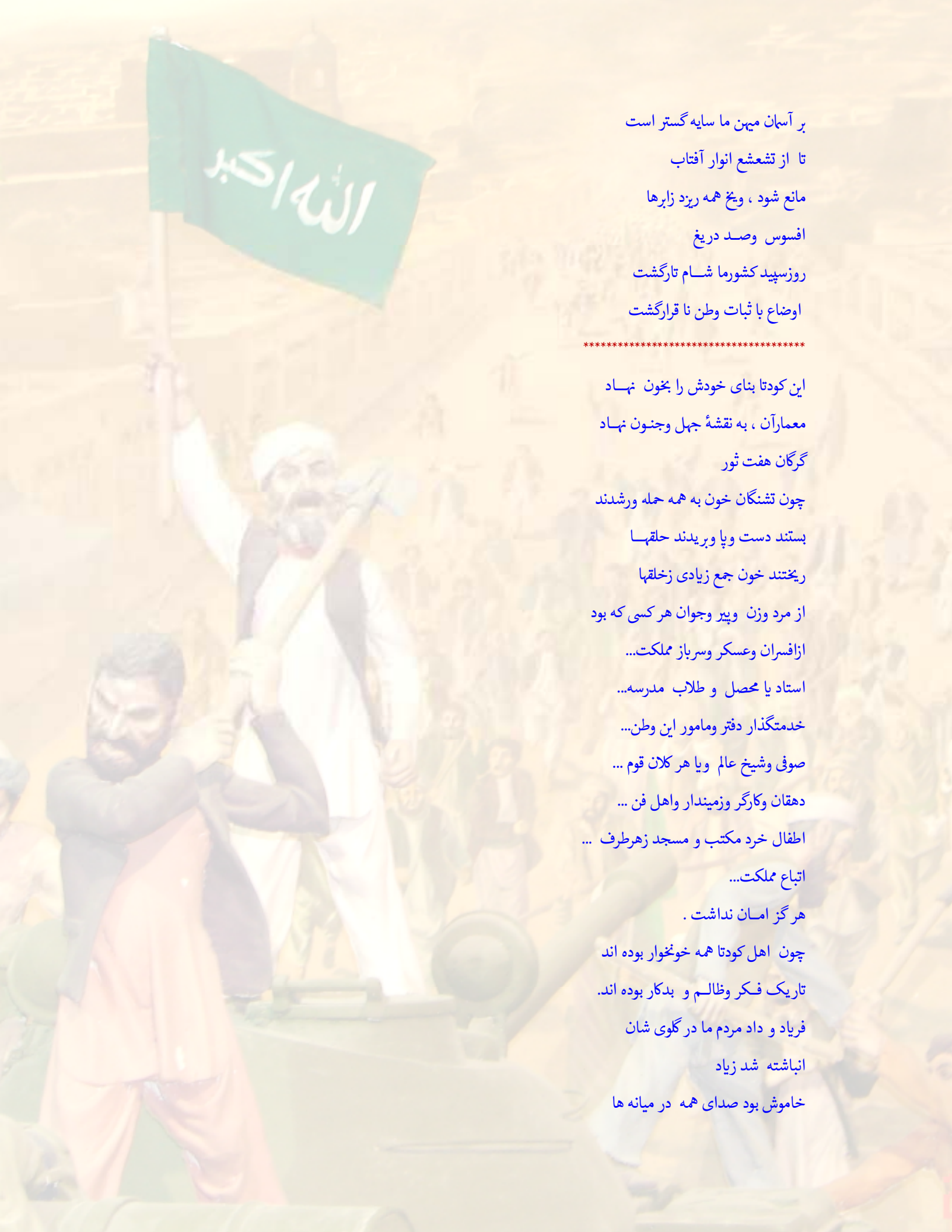
همراه خود نداشت

در یک صباح سرد...

مردم شگون بد گرفته و با هم سخن زدند

گویا دیگر بهار نیاید بملک ما !

ایر سیه وتیره ز سمت شمال ملک



بر آسمان مین ما سایه گستر است  
تا از تشعشع انوار آفتاب  
مانع شود ، ویخ همه ریزد زارها  
افسوس و صد دریغ  
روزسپید کشورما شام تارگشت  
اوضاع با ثبات وطن نا قرارگشت

\*\*\*\*\*

این کودتا بنای خودش را بخون نهاد  
معمارآن ، به نقشه جهل وجنون نهاد  
گرگان هفت ثور  
چون تشنگان خون به همه حمله ورشدند  
بستند دست و پا و بریدند حلقها  
ریختند خون جمع زیادی زخلفها  
از مرد وزن و پیر وجوان هر کسی که بود  
ازافسران وعسکر وسرباز مملکت...  
استاد یا محصل و طلاب مدرسه...  
خدمتگذار دفتر ومامور این وطن...  
صوفی وشيخ عالم ویا هر کلان قوم...  
دهقان وکارگر وزمیندار واهل فن...  
اطفال خرد مکتب و مسجد زهرطرف...  
اتباع مملکت...  
هر گز امان نداشت .  
چون اهل کودتا همه خونخوار بوده اند  
تاریک فکر وظالم و بدکار بوده اند.  
فریاد و داد مردم ما در گوی شان  
انباشته شد زیاد  
خاموش بود صدای همه در میانه ها

در شهرها ...

قریه ها و هر کرانه ها.

تنها صدا، صدای کریه تفنگ بود

یا ناله های آنکه برندان و بند بود

\*\*\*\*\*

دیری نشد که اهل «هریوا» در آن زمان

با بغض ها همه انباشته در گلو

در زادگاه خواجه انصاری بزرگ

در مهد شیخ جامی و رازی و کاشفی

در سرزمین تاکی، و مختار و هاتقی

اندر دیار معرفت و عشق عارفان ...

در خاک اولیاء که به هر گوشه اش نشان

.....

در بیست و چهار حوت ...

در صبحگاه وقت ...

غسل و وضو برای شهادت نموده اند

رخت سپید بتن نموده کفن پوش گشته اند

تا در مصاف خویش

با دشمنان معرفت و دین و مملکت

با حاملان پرچم چکش و داس سرخ

با نوکران حلقه بگوش و غلام روس

این سرزمین خود و مرقد پاگان اولیاء

از لوث کُفر و خبیث جهالت و تیرگی ...

پاکش نموده ....

پرچم شان سرنگون کنند

\*\*\*\*\*

اندر طلوع مهر



مردان حق به راه خدا متحد شدند

با ساز و برگ هیچ

اما بزور و قدرت ایمان و اتحاد

دل ها همه به عشق شهادت همی طپید

در سرخیال فتح و ظفر جلوه مینمود

در پرتو عقیده «احد الحسینین»

بر خیل شب پرست ....

ولشکر خفاش حمله شد

آن برجهای تیره ظلمت شکسته شد

خلقی ضد خلق وطن تار و مار شد

فتح مبین به لشکر حق آشکار شد

شهر « هرات » زلوت اجانب زدوده شد

مردم سچود شکر بجا کرده هر طرف

وانگاه برای جمع شهیدان انقلاب

در بیست و چهار حوت

بر بیست و پنج هزار شهید

یکجا نماز شد

\*\*\*\*\* پایان \*\*\*\*\*

محمد عزیز ( عزیز )

روز چهار شنبه - ساعت ۲۰:۲۳

بیست و سوم حوت سال ۱۳۹۱ هجری شمسی

مطابق به : اول جمادی الاول سال ۱۴۳۴ هجری قمری

برابر به : ۲۰۱۳-۰۳-۱۳ میلادی